

باشد. حضرت آیت‌الله طالقانی دیروز به خبرنگاران عرب گفتند که علیرغم اعتقاد پاره‌ای افراد فکر نمیکنند که امام‌موسی صدر در لیبی باشد. چندی پیش دکتر کریم سنجابی وزیر امور خارجه در ملاقات با يك هیئت عالی‌رتبه شیعیان لبنان پیرامون آزادی امام‌موسی صدر اظهار امیدواری بیشتری کرد و گفت ایران هرکاری را برای آزادی امام‌موسی صدر انجام خواهد داد.

سنجابی در سخنان خود اشاره‌ای به لیبی نکرد، اما ناظران این سخن سنجابی را چنین تلقی کردند که وی فکر میکند امام موسی صدر در قید حیات است.

ناظران خاطر نشان ساخته‌اند که دیدار احتمالی قذافی از ایران مبنی بر این موضوع است که امام موسی صدر در تریپولی است یا نه؟ اطلاعات، ۱۷ اسفند ۵۷

پدر طالقانی:

هیچکس زنان را به داشتن حجاب مجبور نمی‌کند

● عناصری می‌کوشند يك جناح بزرگت انقلاب، یعنی زنان را از انقلاب جدا کنند.

● اجازه نمی‌دهیم کسی به زنان اهانت کند.

حضرت آیت‌الله طالقانی، پیش از درگذشت همسرشان، که روز جمعه گذشته اتفاق افتاد، در يك مصاحبه رادیو تلویزیونی شرکت کرد و به پرسشهای خبرنگار رادیو تلویزیون در خصوص مسئله حجاب و رفتن بانوان به ادارات و مؤسسات با حجاب اسلامی و شرعی توضیحاتی داد.

ابتدا خبرنگار رادیو تلویزیون گفت: چند روز قبل از قول امام خمینی در روزنامه‌ها نوشته شده است که زنان میتوانند در ادارات و مؤسسات کار کنند ولی با حجاب اسلامی و امروز این توهم و تصور برای گروهی از آنان مطرح شده که باید با حجاب باشند و اگر بی‌حجاب باشند از ورود آنان به محل کارشان جلوگیری خواهد شد، نظر شما در این باره چیست.

حضرت آیت‌الله طالقانی در پاسخ این پرسش گفت: من مجالی

نیافتم تا متن بیانات امام خمینی را در روزنامه‌ها ببینم، ولی مسلماً نظر امام هم به مصلحت زنان ما و خواهران ما و دختران ماست و هم مطابق موازین اصولی اسلام است. هم ایشان و هم ما در این حرکت انقلابی همیشه نسبت به این سهم بزرگی که زنان داشته‌اند، قدردانی کردیم و واقعاً هم سهم بزرگی دارید و در این حرکت تاریخی باید نام زنان در این فصل تاریخی مانند اوایل مشروطه در تاریخ ضبط و ثبت گردد. وقتیکه همه این ملت، زن و مرد، حضرت آیت‌الله خمینی را یک پدر رؤف و مهربان و فداکار برای نجات ملت میدانند، قطع نظر از مسایل دیگر، واجب است که نصایح ایشان، راهنمایی‌های ایشان را که به‌خیر و ثواب هر طبقه و هر گروهی هست بپذیرند و تصور نکنند که اگر مسأله‌ئی مطرح میشود، خدای ناخواسته به‌ضرر و زیان و نادیده گرفتن حقوق چه زن و چه دیگر طبقات است. اگر بخواهیم مسئله حجاب را از جهت اسلامی و از نظر ملی بحث کنیم، یک مسئله سنتی و تاریخی است که در عمق تاریخ ما و تاریخ شرق مطرح بوده است. همیشه زنهای ما دارای یک فرم حجاب بوده‌اند، حجاب بمعنای عامش نه مخصوص به‌چادر و وضع خاص یعنی حفظ عفاف یعنی وقار، حفظ وقار و شخصیت زن همیشه در ایران و کشورهای شرقی اسلامی و غیر اسلامی بوده و شما ملاحظه میکنید که هندیها، زنهای هندوستان با اینکه مسلمان نیستند برای حفظ سنت اصیل ملی‌شان، اکثراً دارای حجابی سرپوشی هستند که مظهر کامل زنان مترقی و مدبر و سیاستمدار شرق خانم «گاندی» است. خانم «گاندی» میدانید که از جهت قدرت سیاست و اداره یک کشور وسیع با آن همه اختلافات قومی و مذهبی، سالها توانست این کشور را اداره کند و آبروی هند را نگاهدارد و استقلال این کشور را حفظ نماید و مورد احترام همه سیاستمداران دنیا بوده و من در کمتر روزنامه‌ای عکس این خانم را بدون روسری دیده‌ام، با اینکه مسلمان نیست و هیچکس هم این را اهانت نمیدانست، درباره خانم «گاندی» و همه به‌شخصیت او احترام میگذاشته‌اند. سنگینی و وقار و حیثیت و قدرت اداره او حالا اگر در داخل هند اختلافاتی ایجاد کرده، ما نمیخواهیم دخالت کنیم، چرا که این یک مسئله داخلی و مربوط به این کشور است. گاندی هنوز هم مورد احترام همه دنیاست و با اینکه شخصی غیرمسلمان است برای حفظ سنت خودش روسریش همیشه روی سرش بوده و به این جلفی‌ها و سبکی‌ها که در غرب معمول

است و به شرق نیز متأسفانه سرایت کرده، در تمام مجالس و مجامعی که میرفت شرکت نمیکرد جز برنامه عمومی. این رفت و آمدهای شخصیت‌های سیاسی همیشه در دنیا این است که عده‌ای شب‌نشینی‌هایی، مجالس رقص داشته باشند، ولی هیچوقت شنیده نشد که این خانم شرکت داشته باشد. بنابراین میخواهم عرض کنم اگر خانمهایی فکر می‌کنند که اگر یک روسری به سرشان ببندازند، از حیثیت‌شان کم میشود، اشتباه می‌کنند و از شخصیت‌شان نیز کاسته نمی‌گردد. قطع نظر از مسلمان بودن، حافظ سنت شرقی هستند و این حفظ سنت شرق، اصالت است. اگر یک کشوری بخواهد مستقل باشد، معنایش این نیست که فقط دروازه‌هایش را محدود کند به روی دنیا، این است که سنتش را حفظ کند.

معارفش و سنت‌هایش را حفظ کند. این است معنای استقلال واقعی متأسفانه این نحوه بی‌حجابی که در این سالیان از زمان رضاشاه تا بحال آمده پراکثریت زنان مسلمان ما تحمیل شده، این را باید بدانید که رضاشاه یا بر اثر برنامه‌های استعماری خواست زنان ما را سبک و خفیف کند و به جلافت و بی‌بندوباری بکشاند و همانطوری که برنامه عمومی استعمار است که زن و مرد را سرگرم شهوت‌رانی‌ها، خوش‌گذرانی‌ها، عیاشی‌ها بکنند تا بتوانند کارشان را پیش ببرند یا از جهت عوامی‌اش این بود که خیال میکرد همین قدر لباسها را که کوتاه کرد مردم ایران که کت و شلوار پوشیدند. شاپو گذاشتند، زنها که بی‌حجاب آمدند، دیگر ترقی کرده‌ایم کار رضاشاه همین‌طور بود، خیال کرد که دنیای غرب که مترقی شده و پیشرفت کرده است، دلیلش اینست که زنان بی‌حجابند و توسعه اقتصاد و علم و قدرت و صنعت نیز بهمین دلیل است. آنها که شاپو می‌پوشند و کت و شلوار به تن میکنند، مترقی‌اند و ما ایرانیها نداریم. بعد هم اگر کسانی که آنزمان یادشان هست، میبینیم به چه وضعی، مأموران شهرپانی و پاسبانها، بجان مردم افتادند، کلاه مردم را از سرشان برداشتند، عمامه‌ها را پاره کردند، لباسها را قیچی نمودند، چادرها را از سر زنان کشیدند و روی‌سری. هایشان را پاره پاره کردند برای اینکه بگویند ما مترقی شده‌ایم و مترقی هستیم و بدنبال آن میبینیم که گروهی از زنان ما را به غرب زدگی کشاندند و بجای پیشرفت علمی و سیاسی و آگاهی و وظایف و مسئولیت‌هایی که بعهده‌شان گذاشته میشد، ریختند توی ادارات و وزارتخانه‌ها،

مجلس شورای ملی و حزب رستاخیز وقتی درست شد، دیدیم که چه مفاسدی ببار آمد ما نمی‌خواهیم بگوئیم که زنها به ادارات نروند و هیچ کس هم نمی‌گوید.

زنان در مرحله انقلاب

زنان يك عضو فعال اجتماع ما هستند، بخصوص زنان ما درچنین مرحله انقلاب که واقعا من وقتی از زندانی بیرون آمدم، همه اقدار بخصوص زنهای ما آنطور که بچشم من آمد، خیال میکردم اینها، زنانی غیر از زنهای سه یا چهار سال قبل هستند یا اینکه کسان دیگری هستند. فرشته‌هایی پاک و پرمسئولیت هستند که اینطور با روسری و چادرشان مشتها را گره کرده‌اند و مثل شیر توی خیابانها فریاد میکشند و در مقابل رژیم ایستادند، کشته دادند و انقلاب را به ثمر رساندند. چه بودند این زنها؟ همان زنهایی که بخودآرایی و مصرف کردن و خود-نمائی توی خیابانها و توی ادارات و وزارتخانه‌ها مشغول به کارند. این روح انقلابی این زنها باید حفظ شود، باید اینها همیشه این روح انقلابی را داشته باشند. این منوط است براینکه زنهای ما به آن تجمل-پرستی‌ها و آن ابتدالهایی که کشانده شده بودند، برگردند. اصل مطلب این است. اگر این انقلاب ادامه یابد وقتی ما این اصل را در نظر بگیریم، میدانیم که خطری هست و خانمها اینرا حس میکنند. خیال میکنند که گفته امام خمینی یا دیگر علمای دین است که اینان توی خانه‌هایشان بروند و توسری‌خور باشند و محجور بمانند. ولی خطری که ما حس میکنیم این است که زنان دوبرتبه به آن ابتدالها کشانده شوند، اما حجاب اسلامی چه معنی دارد، حجاب اسلامی یعنی حجاب وقار، حجاب شخصیت، ساخته من و فقیه و دیگران نیست، این نص صریح قرآن است، آن قدری که قرآن مجید بیان کرده نه ما میتوانیم از آن حدود خارج شویم و نه زنانی که معتقد به این کتاب بزرگ آسمانی هستند که هر سوره‌اش بنام دوگونه رحمت خداوند آغاز میشود. بسم الله، الرحمن، الرحیم. چندین سوره نیز برای حقوق زنها و حدود آنهاست، سوره نساء سوره نور، سوره نور اساسش پاکسازی داخل خانواده‌هاست و پاکسازی زنان و مؤمنات است. آنهائی متعهدند که مسئولند. آنهائی که در راه خدمت انقلاب اسلام هستند، یعنی همانطور که آسمان و زمین مظهر نور خداست، «الله نورالسموات والارض...» (سوره نور) این نوری

که در هر ذره‌ئی و در هر قسمتی از جهان که تلالو دارد، باید از خانواده‌های ایمان، نور صفا، نور ایمان، نور محبت، نور صحت ساطع و ظاهر شود. این نور از کدام خانه‌هاست؟ از واحد خانه‌هایی که باید پاکسازی شود، بعد همین آیه در قسمتهای آخر سوره نور تکرار شده و توضیح داده شده که خانواده چگونه باید پاکسازی گردد. (ادامه سوره نور). اگر بخواهند تزکیه شوند و مردان مؤمن از چشم‌چرانی، شهوت‌پرستی باید چشم بپوشند و همین‌طور زنان مؤمنه.

به‌زنان مؤمن یعنی زنان متعهد، زنان مسئول، زنانی که با خدا و با ملت مسلمان تعهد دارند بگو، چشم‌پوشی کنند، عفاف خود را حفظ کنند، زنهای مسلمان ما، زنهای مملکت ما آنگونه که تا چندی قبل بودند که امیدواریم از این ببعد نباشند، چه بودند؟ در خانه که باید برای شوهرشان خودشان را آرایش نکنند، هر جور که میخواهند لباس می‌پوشند و این اغلب لباسهای کهنه و گردو خاکی و معمولی است، ولی همین خانم وقتی میخواست به خیابان برود و سبزی بخرد یا به فلان اداره برود، دو ساعت توالی میکرد قرآن می‌گوید عکس این موضوع عمل شود، توی خانه خودتان هر چه قدر که میخواهید خودتان را آرایش کنید، ولی وقتی بیرون رفتید، همدوش مرد باشید... شخصیت خود را بروز دهید. در آیاتی از این سوره آمده است که: «خمار» روسری‌هایی بوده که در تمام دنیا معمول بوده، این «خمار» (نوعی مدینه منوره زنها گاه بی‌توجهی میکردند، دامنه‌های خمارشان را باز میگذاشتند، سینه و محل‌های محرك آشکار میشد و جوانها آنها را تعقیب میکردند و متلك میگفتند، مانند حالا و اینها خیال میکردند برده هستند. برده‌ها اینجور بیرون می‌آمدند، سروپای لخت و برهنه داشتند که همواره مورد تعقیب و تحقیر جوانان بی‌بندوباری قرار میگرفتند و آیه حجاب نیز همین است.

آیه حجاب برای شخصیت دادن به‌زن‌هاست. برای شخصیت انسانی اوست.

زن در اداره

اگر ما میخواهیم سراپا مقلد باشیم، خوب بشویم، هر چه میخواهیم بشویم، اما اگر بخواهیم همانگونه که بخودمان برگشته‌ایم، به‌خودمان

رجوع کنیم، به فرهنگمان برگردیم و می‌خواهیم به قدرتمان اتکا داشته باشیم، باید استقلالمان از خودمان باشد، سنتهای خوبمان هم باید زنده شود، این از نظر سنت و اینهم از جهت آیه، ولی این مانع اینست که زن کار اداری داشته باشد؟ نه، مانع از اینست که کار فرهنگی داشته باشد؟ نه. بشرطیکه در راه خدمت باشد. انسان دارای غرایزی است. مقداری صادق است مانند گرسنگی و شهوت که این خودبخود انجام می‌گیرد، مقداری از این غرایز نیز کاذب است و تحریک بیش از حد است که اسلام سعی دارد این تحریکات را مهار کند و مانع می‌شود که تحریکات بیش از حد اخلاق انسان و جسم و اراده و تقوی انسانی نباشد. علاوه بر این موضوع، مسئله اقتصادی است، زنان ما، آنهایی که در خدمت ادارات هستند، حقوقی که می‌گرفتند، چه قدر از حقوقش را صرف تزئینات و آرایش و پیرایش خود میکرد. برای اینکه چند ساعتی به اداره برود، روی رقابت میدید آن یکی آرایشش بیشتر است، بیشتر پول خرج میکرد، میدید مد چگونه است، فوراً عوض می‌کرد. اگر ما انقلاب کرده‌ایم، باید اکنون همه اینها را دور بریزیم. اسلام، قرآن و مراجع دین می‌خواهند شخصیت زنان حفظ شود، مسئله اینست که هیچ اجباری در کار نیست. مسأله چادر هم مطرح نیست. مگر در دهات ما از صدر اسلام تاکنون زنان ما چگونه زندگی میکردند؟ مگر چادر می‌پوشیدند؟ این زنان زحمتکش، این زنهای خدمتگزار، دهات ما، کردستان ما، مازندران ما، ایلات ما همه يك روسری می‌بستند، دوش بدوش مردان کار میکردند. مگر کار منحصر به رفتن به اداره است و پشت میز نشستن؟

اینهم نوعی کار است. کار راصیل همین است. آن کار، کار تحمیلی است و مصرفی، ولی اینکار، کار تولیدی است و اینها هم الان دارند همین کارها را میکنند. برنجی که ما میخوریم، گندمی که ما میخوریم، سایر تولیداتی که ما اکنون مصرف میکنیم، يك قسمتش بعمده زن‌هاست که متأسفانه به آنها ظلم بیشتری شده، یعنی زنان دهات و روستاها بیشتر از زنان شهری ستم و جور دیده‌اند. اسلام راضی نیست این مردان بنشینند توی قهوه‌خانه‌ها در مازندران و کردستان و زنان بروند در جنگلها و مزارع و مراتع، توی شالیزارها، چرا ملاحظه حقوق آنها را نکنیم؟ معذالك عفت‌شان را حفظ کرده و میکنند. بچه‌هایشان را نیز تربیت میکردند، کانون خانه را هم گرم نگاه میداشتند.

يك زندگى باصفا با همت و همكارى مردان، و توليد. ما همه اش خيال ميكنيم كه زنها منحصرند به يك مشت زنانى كه ريخته اند توى شهرها و دائماً مى خواهند مصرف كننده باشند. اينها ميخواهند ادارات را پر كنند، خوب برويد با آنها همكارى كنيد. اگر واقعاً راست مى گوئيم، البته گروهى از زنها، اينها باقيمانده و تفاله هاى رژيم منحط پهلوى هستند كه ديگر زنهای مبارز ما را دارند تحريك ميكنند، بگويند به ما اهانت ميشود، چه اهانتى شده؟ اينهمه هم تجليل شده. از زنانى كه باز هم تكرر ميكنم، در اين انقلاب سهم بزرگى داشته اند، تجليل شده و در تاريخ نيز اين سهم شان ثبت ميگردد. پنجاه سال زنان در ادارات بوده اند و مى ديديم كه چه اشتغالاتى داشتند، آيا نامشان در تاريخ بوده؟. چقدر ساقط شدند، از حيثيت، شرافت و عفت چه كانونهائى بهم خورد. ما نميخواهيم مجدداً به آنجا برگرديم، آنها هم نبايد راضى باشند، همين زنهائى كه من به مناسبتى از اينها قدردانى ميكنم، پس از اينكه چند روز پيش فرصتى دست داد، به يكي دو بيمارستان سر زدم و از مجروحان و تيرخورده ها عيادتي كردم، وقتى پرسيدم اين خانمهاى پزشكيار ميگفتند، اينها قدرشان مجهول است وقتى ما مى رفتيم و مى ديديم غير از آرايش و خودآرائى و خود درست كردن و نمايش دادن، اصلاً چيز ديگري نداشتند و گاهگاه به مريضها بي اعتنائى ميکردند، گاهى به مريضها اهانت مى کردند، گفتند روزها و شبها شده كه اين خانمها نخواستند. دائماً فعاليت مى كنند و اغلب خودشان را فراموش کرده بودند، چنين زنى انقلابى است ديگر ما نمى خواهيم زنهايمان به شكل سابق باشند، اصل مسئله همين است. مسئله محدود كردن زنها نيست. مسئله چادر نيست. مسئله محدود كردن خانمها كه بارها حضرت آيت الله خميني، ما و ديگران گفتيم اگر به حساب موازين و حقوق اسلامى بسنجيم، ما مردها از آنها طلبكار هستيم نبايد آنها ادعاى حق بكنند، ما بايد ادعاى حق بنمائيم. بر مرد واجب است خرج زنش را بدهد. تعهد بكند با او بهترين رفتار را داشته باشد، با او به طور متساوى رفتار كند. هر چه كه از بيرون درمى آورد، حقوقى كه مى گيرند، توى مشت خانمها بدهند و مطالعه هم نکنند. ايراد هم نمى تواند بگيرد كه اين غذا چه جور است. جرئت هم نمى كند چيزى مطالبه كند كه مثلاً اين غذا خوب پخته شده است يا نه.

مرد كار کرده، زحمت كشيده، جان كنده به اداره رفته ولى وقتى

می‌آید خانه. پولها را سربرج باید به‌خانم بدهد، اگر نفسش هم در بیاید که مثلاً این غذا چرا شور است یا چرا ترش شده، دعوا درمی‌گیرد. می‌خواهیم دعاها از خانه‌ها بیرون برود.

بین زن و مرد صمیمیت وجود داشته باشد. صفا باشد يك مملکت مثل يك خانواده، ما می‌خواهیم در این مملکت دیگر «قلعه» نباشد که عده‌ای از زنان به بدبختی کشیده شوند. مامی‌خواهیم دیگر سرپز و توالت و ماشین،، طرز لباس پوشیدن، جنگ بین زن و مرد در نگیرد. بطور کلی خلاصه نظرم چنین است:

جلوگیری از اینکه زنهای ما به عهد جاهلیت پهلوی و شرک پهلوی و شرک خاندان سلطنت که منشأ تمام مفاسد بودند، برنگردند و همانگونه مسئولیت اسلامی و ایرانی خود را تابحال بخوبی انجام دادند. ادامه یابد، این است اصل کلی.

مسئله حجاب یکی از مظاهر این حرکت انقلابی است. کی در این راه پیمائی‌ها، خانمها، خواهران و دختران ما را مجبور کرد که باحجاب یا بی‌حجاب بیایند، هیچ طرفش مجبور نبودند، پس خودشان با احساس مسولیت اسلامی که این لباس یکی از شعارهای اسلامی و ایرانی است، اصالت خودشان را نشان دادند و به دنیا فهماندند و مورد اعجاب جهانیان واقع شدند. اما حالا اینکه روسری سر کنند. یا نکنند، باز هم هیچکس اجباری در این کار نکرده است و ما درخواست می‌کنیم. حضرت آیت‌الله خمینی نیز اجبار و اکراهی به شکل اکراه بیان نکرده‌اند ولی ما قصد نمایش دادن نداریم، اکنون در انقلابات و ادارات ما، وزارتخانه‌های ما متحول و انقلابی شده‌اند. از این جهت من نیز درخواست می‌کنم که زنان آلت دست واقع نشوند، هو و جنجال راه نیندازند و همانطور که بارها گفتیم همه حقوق حقه زنان در اسلام در محیط جمهوری اسلامی محفوظ خواهد بود.

هو و جنجال راه نیندازند و همانطور که بارها گفتیم همه حقوق حقه زنان در اسلام و در محیط جمهوری اسلامی محفوظ خواهد ماند و از آنها خواهش می‌کنیم که با لباس ساده، با وقار روسری هم روی سرشان ببندازند، بجائی بر نمی‌خورد، اگر آنهایی هم که میخواهند مویشان خراب نشود. اگر روی مویشان روسری ببندازند، بهتر است و بیشتر محفوظ می‌ماند. همانطور که من آن آیه شریفه را تلاوت کردم که می‌فرماید: ولیفرن نجمورهن ولا یبدین زینتهمون الالبهولتهن، کسانی

که زنها نمیتوانند زینت‌هایشان را در مقابل آنها نپوشانند بیان میکند تا آخر نمی‌توانند زینت‌هایشان را در مقابل آنها نپوشانند بیان می‌کند تا آخر آیه آمده است: لعلکم تفلحو راه رستگاری همین است که این روابط محفوظ باشد بین خویشاوندان و مردان غیر خویشاوند، اجنبی‌ها و چقدر پیش آمده که همین تحریکات شهوانی کاذب، دخترها، پسرها به سقوط کشانده شده‌اند چه جنگها.

چه قتلها، چه فجایع که تا یکسال قبل دائماً هر روز يك قسمت اخبار روزنامه‌ها همین فجایع بود. منشأ اینها کی بود؟ ریشه اینها از کجا بود؟ غیر از همین تحریکات بی‌جا بود؟ واقعاً يك عده زنها این جوانها را اذیت میکردند آنها يك عده بی شکایت داشتند جوانها ما را اذیت می‌کنند. يك جوانی که وسیله زن گرفتن ندارد، وسیله کار ندارد زندگی و سروسامان ندارد وقتی این زن را با این صورت می‌بیند که گاهی يك پیرزن ۵۰، ۶۰ ساله خودش را مثل يك دختر ۱۴ ساله نمایش میدهد توی خیابان و سرکوچه این بیچاره اذیتش می‌کنند، ناراحتش می‌کند و این يك جور آزار جوانهاست و امیدواریم که بعد از این جوانهای ما هم سروسامان پیدا کنند زنهای ما هم بوظایف اصیل خودشان بیشتر آشنا بشوند و وظایف اداری، معلمی، پزشکیاریشان را با حواس جمع و قدرت فکری که همین تجمل‌پرستی‌ها و رقابتها مانع درست و وظیفه انجام دادن هست، در بین نباشد و بتوانند خوب انجام بدهند.

اجباری حتی برای زنهای مسلمان هم نیست، چه اجباری؟ حضرت آیت‌الله خمینی نصیحتی کردند مانند پدری که به‌فرزندش نصیحت می‌کند راهنمائیش می‌کند که شما اینجور باشید باین سبک باشید بهتر میتوانید روح اسلام و همانطوریکه گفتم سنت ایرانیت را متجلی کنید. استقلال و شخصیتتان را حفظ کنید. وقتی نسبت به آنها اینطور نیست چطور ما میتوانیم بگوئیم که اقلیت‌های مذهبی مسیحی، زردشتی، یهودی که اکثر اینها خصوصاً یهودیها و زردشتیها برخوردارم می‌بینم مقید به حجاب روی همان سنن ایرانی که از قبل بوده، برای آنها هم اجباری نیست و در اسلام هم همیشه بارها گفتیم و گفتیم و عملاً هم نشان دادیم حتی اقلیتهائی که با اسم مذهب هستند نه اینکه مذهب صحیح باشند، مذهب ساختگی، مذهب استعماری، مذهب اسرائیلی بودند و اینها وسیله استعماری و جاسوسی بودند و ما جلوگیری کردیم که

معارض آنها هم نشوند، چه رسد به اقلیت‌هایی مانند زردشتی‌ها، یهودیها، مسیحی‌ها و دیگر اقلیتها که همیشه جزو این مملکت بودند مورد احترام بودند و فرقی نداشتند در زندگی اجتماعی و اقتصادی با دیگران و چه بسا بعضی آنها از خیلی مسلمانها هم بهتر بوده در این مملکت خود یهودیها بعضی‌ها اعتراف می‌کنند، بعضی‌ها که به اسرائیل رفته‌اند و از آنجا فرار کرده‌اند، می‌گویند اینجا اصلاً زندگی ما بمراتب بهتر از اسرائیل است امکانات ما در اینجا بیشتر از هر جایی است.

خبرنگار رادیو تلویزیون آنگاه عنوان کرد در کتابی که «فرانتس فانون» نوشته بنام سال پنجم انقلاب الجزایر با جامعه‌شناسی يك انقلاب مسأله حجاب را در الجزایر خیلی عمیق و بسیار جالب مطرح می‌کند و تجزیه و تحلیل کرده که زنان الجزایر بر اثر رشد انقلابیشان به نتیجه رسیده‌اند که باید شخصیت خود را بالا ببرند و نگذارند که آلت دست استعمار فرانسه بشوند و ما در راه پیمائی‌های گذشته هم میدیدیم که واقعاً عده‌یی از زنها با اینکه بی‌حجاب هستند ولی شعارهای اسلامی میدهند و عقیده به این حرکت و به این جنبش اسلامی دارند. آیا واقعاً میشود آنها را سهل‌انگار دانست یا اینکه بی‌عقیده و رفتاری که نسبت به آنها میشود چگونه باید باشد اصولاً این مربوط میشود به تلقی اسلام از زن که برخلاف تبلیغات رژیم گذشته که میخواست چنین وانمود بکند که اسلام نظری توهین‌آمیز نسبت به زن دارد، و حجاب را برای این بوجود آورد که زن در خانه محبوس بماند و فعالیت اجتماعی نکند در شرایط کنونی انقلاب ما نسبت به این مسایل چه عکس‌العملی باید داشته باشیم؟

حضرت آیت‌الله طالقانی: منظور کدام مسایل است یکی یکی بیان کنید:

خبرنگار: یکی شخصیت زن و دیگری مسأله حجاب و ارتباطش با مسایل اجتماعی و سیاسی و انقلابی.

آیت‌الله طالقانی پاسخ داد: همانطوریکه شما البته شاید با دقت بیشتر کتاب «فانون» را خواندید منم دیده‌ام که اساساً می‌گوید که انقلاب الجزایر آنوقت اوج گرفت و پیش رفت که زن و مرد الجزایری که مدت‌ها تحت نفوذ فرهنگ استعماری و روشها و لباسها و مدهای استعماری بودند، به خودشان برگشتند و شروع کردند ملتیشان را احیاء کردن و همین زنهای الجزایری بودند که فهمیدند در آن وضع انقلابی بهترین

وسيله هم برای نشان دادن شخصیت خودشان هم برای روابطی که با گروههای انقلابی مسلح دارند، همین است که با حجاب بتوانند این خدمت بزرگ را انجام بدهند. این مسلم است که در تاریخ الجزایر هست شاید در بین عموماً کشورهای انقلابی خود بخود زنها به سنتها و روشهای خودشان برگشتند و از فرهنگ و تقلید بیجا که از کشورهای غربی و تقلیدهای وارداتی و کارهای وارداتی خودشان را توانستند رها بکنند برای اینکه گفتم استقلال معنایش این است که بتمام معنا ما مستقل باشیم مستقل شدنمان این است که فرهنگمان و راه و روشمان را دومرتبه پس از اینکه دو مرتبه تحمیل شد بما یا زور و سرنیزه مثل زمان رضاخان یا بوسیله تبلیغات مثل زمان پسرش اینها را از خودمان شستشو کنیم و زنهای ما اگر انقلابی باشند باید بگویند که آنها به این وسایل و یا باین سلاحها با زور و فشار و با تبلیغات این نوع زندگی مدپرستی و خودآرائی و بی بندوباری را و خروج از سنن بما تحمیل کرده اند، ما باید برگردیم بهمان حال و آنهایی که بخواهند دو مرتبه آنها را احیا کنند که خیلی ها هستند آنها مطرود اجتماع هستند آن وضعیت آن شرایط یعنی مطرود این انقلاب هستند آنها باید برکنار باشند از این انقلاب آنها کی دائماً راه مصرف یعنی راه دزدی، راه رشوه را بی بندوباری به روی مردم باز میکردند آنها را ما يك زن اصیل نه مسلمان، ایرانی هم نمی دانیم. واما اینکه گفتید جوانهایی ممکن است معترض بشوند که البته هیچ حق ندارند، امروز (شنبه) از یکی از دبیرستانها بمن تلفن کردند راجع به همین مسایل پیامی فرستادم برای دخترها و معلمه های دبیرستان گفتم شما بد فهمیدید برگردید سر کلاسها این مسائل حل شدنی است، عجله نکنید و بعد بمن گفتند که سر يك چهار راهی به يك خانمی کسی اهانت کرده من ناراحت شدم و گفتم حتماً تعقیب بکنید و ببینید این آیا از این مأمورینی است که خودشان را به کمیته ها منتسب می کنند یا يك کسی است که خواسته از این راه سوءاستفاده کند و بخواهد چهره این انقلاب را خراب بکند و ناراضایتی ایجاد بکند همانطور که بشدت عده یی مشغول هستند چه عوامل رژیم سابق، چه عواملی که زیر پرده از جناحهای غربی و استعماری و وابسته های به آنها و ساواکی هائی که دارند کار می کنند، این کارها را می کنند باسم انقلاب می گذارند.

برای اینکه يك جناح بزرگ انقلاب اصیل ما که زنهای ما باشند

اینها را از انقلاب جدا کنند و بسوی نارضایتی بکشانند.

حضرت آیت‌الله طالقانی در پایان گفت: من سلام و درودم را برزنها و خواهرانم و دخترانم که باز میگویم سهم بزرگی در این انقلاب داشته‌اند باید هم این حق و سهم بزرگی که دارند ادامه بدهند، به ثمر برسانند، آلت دست تحریکات نشوند، اغوا نشوند و وظیفه و مسئولیت خطیری که بیش از مسئولیت زندگی عادی واداری است که آگاهی و هشیاری خودشان و خصوصاً خانمهایی که در پست مهم و پرمسئولیت تعلیم و آموزگاری هستند و وظیفه‌ی سنگین نسبت به بچه‌های مادرند، و ظایفشان را بخوبی انجام بدهند و هر مشکلی و هر مسأله‌ی پیش آمد ما در دسترس آنها هستیم و اجازه نمیدهیم کسی به اینها اهانت بکند. شاید قبلاً خودم هم دلم میخواست به آن زنها، با آن صورتها، با آن وضعیات اگر اهانت کردند، خیلی هم ناراضی نبودم، ولی حالا اگر کسی بخواهد به یک زن ایرانی که در این جهاد مقدس شرکت کرده، اهانت کند، اهانت به همه مردم این کشور و به همه ایرانیها و به همه مسلمانها هست، سرکارشان برونند و در ادارات هم سنگین، با وقار مسئولیتشان را خوب انجام بدهند و از آرایش و پیرایش اینها که خودشان را هم خسته هستند من میدانم که چقدر تحمیل شده به آنها و چقدر ناراحت بودند و از این رقابت‌ها انشالله بپرهیزند و برای اطاعت از راهنمایی و نصیحت شخصیتی که هم قبولش داریم و به‌پداری، به دلسوزی برای این ملت‌گوش بدهند تا اگر مسایل بازپیش آمده‌مانطوری که عرض کردم مشکلات فکری، مشکلات عملی ما حاضریم آنقدری که قدرت داریم، در دست ما هست بیاری خداوند و به‌همت این ملت شریف و این مردم مشکلات را حل کنیم و روز بروز راه‌ها بازتر بشود تفاهم بیشتر بشود نه بین زنها و مردها، بین تمام طبقات تمام گروهها، بین همه قشرها بیاری خداوند تبارک و تعالی از خداوند مسئلت آن راهی که خیر این ملت و خیر این کشور و آینده این کشور است روز بروز بروی ما بیشتر بگشاید و ما را از لغزش و خطا حفظ کند. الحمدلله رب العالمین.

کیهان یکشنبه ۲۰ اسفند ۵۷